

# رقابت استراتژیک ایران و آمریکا در خلیج فارس

این گزارش ترجمه و تلخیصی از گزارش اطلاعاتی ذیل است:  
Anthony H. Cordesman and Alexander Wilner, "U.S.  
and Iranian Strategic Competition: Iran and the Persian  
Gulf Military Balance, CSIS Report, March 2012.

کد موضوعی: ۲۶۰  
شماره مسلسل: ۱۲۵۲۵

مردادماه ۱۳۹۱

دفتر: مطالعات سیاسی

## به نام خدا

### فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۲.....	مقدمه
۳.....	الگوهای فعلی در ساختار رقابت نظامی ایران و آمریکا
۵.....	دیدگاه‌های ملی متفاوت
۱۳.....	ادراک‌ها در مورد «جنگ تحریم‌ها»
۱۴.....	عدم قطعیت‌های کلیدی در ارزیابی جزئیات رقابت نظامی ایران و آمریکا
۱۷.....	رقابت در نیروهای نظامی متعارف
۲۰.....	رقابت در نیروهای نامتقارن
۲۲.....	بستن خلیج فارس: گزینه‌های نظامی ایران برای جنگ نامتقارن در جهان واقع
۲۵.....	الزامات رقابت نظامی ایران و آمریکا برای سیاست‌های آمریکا
۲۹.....	ارزیابی کلی
۳۰.....	منبع و مأخذ



## رقابت استراتژیک ایران و آمریکا در خلیج فارس<sup>۱</sup>

### چکیده

با توجه به اینکه تهدیدزاترین شکل رقابت ایران و آمریکا در عرصه نظامی و امنیتی رخ می‌دهد، خلیج فارس مهمترین میدان رقابت نظامی بین ایران و آمریکا است که برجستگی و اهمیت خاصی دارد. در این چارچوب، تدوین‌کنندگان این گزارش می‌کوشند زوایای گوناگون این هم‌آوردی را بکاوند. در ابتدا، الگوهای فعلی در ساختار رقابت نظامی ایران و آمریکا بیان می‌شوند. سپس با تشریح دیدگاه‌های بازیگران تأثیرگذار بر موازنه نظامی در خلیج فارس، بر ادراک‌هایی که هر یک از آنها در این زمینه دارند، تأکید می‌شود. نویسندگان پس از تبیین ادراک‌ها استدلال می‌کنند که عدم قطعیت‌های تأثیرگذار بر «برنامه‌های هسته‌ای و موشکی ایران، ثبات نظام و تغییر نظام ایران و دیدگاه‌های متفاوت مقامات نظامی، اطلاعاتی و کشوری دولت‌های دخیل» نیز سهم بسزایی در ارزیابی جزئیات رقابت نظامی ایران و آمریکا دارند. بخش اصلی گزارش حاضر بر رقابت نظامی ایران و آمریکا در هر دو سطح نامتقارن و متعارف تأکید می‌نهد و استدلال می‌کند که ایران در سطح نامتقارن و

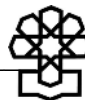
۱. این گزارش، صرفاً جهت اطلاع نمایندگان محترم از نگاه آمریکایی‌ها به رقابت استراتژیک ایران و آمریکا تدوین شده است و طبعاً منعکس‌کننده نظرات مرکز پژوهش‌ها و دفتر مطالعات سیاسی مرکز نیست.

آمریکا و متحدان آن در خلیج فارس در سطح متعارف بر طرف مقابل برتری دارند. در این راستا، به‌طور موردی، روی آوردن احتمالی ایران به بستن تنگه هرمز و گمانه‌ها در مورد آن بررسی می‌شود. سرانجام در پایان گزارش، توصیه‌های سیاستگذاری در مورد تلاش‌های احتمالی آمریکا در رابطه با رقابت استراتژیک میان ایران و آمریکا مطرح می‌شود.

### مقدمه

تهدیدزاترین شکل رقابت ایران و آمریکا در عرصه نظامی و امنیتی رخ می‌دهد. حوزه‌هایی که این رقابت بیشترین توجه را به‌خود جلب می‌کند، عرصه‌های هسته‌ای و موشکی و تهدیدهای ایران به بستن خلیج فارس است. تنش‌ها میان ایران و آمریکا بر سر برنامه هسته‌ای ایران در طی سال‌های اخیر پیوسته رو به رشد بوده است. این تنش‌ها هم‌اکنون به نقطه بحران رسیده است، زیرا ایران اورانیم بسیار غنی شده تولید می‌کند و فناوری لازم برای تولید تسلیحات هسته‌ای را توسعه می‌دهد و تحریم‌های ایالات متحده، اروپا و سازمان ملل نیز پیوسته شدیدتر شده است.

رقابت نظامی میان ایالات متحده و ایران در شبه جزیره عربستان، عراق، خلیج عمان و دریای عرب اقیانوس هند، سرزمین‌های شرق مدیترانه، منازعه اعراب و اسرائیل، ترکیه، افغانستان و فراسوی آن، سطح به مراتب گسترده‌تری دارد. زیرا ایران توانمندی موشکی بالستیک خود را توسعه می‌دهد. رقابت نظامی ایران و آمریکا پای طیف وسیعی از دولت‌های دیگر به‌ویژه دولت‌های عرب خلیج فارس و اسرائیل را



به میان می‌کشد. این رقابت به‌گونه‌ای رخ می‌دهد که هریک از این دو کشور و متحدان آنها می‌کوشند طرف دیگر را از گزینه‌های نظامی بازدارند و با مهار، بازدارندگی و حدگذاری‌ها، اوج‌گیری بحران را ایجاد و یا تقویت کنند. این رقابت در واقع رقابت برای کسب پرستیژ و جایگاه نظامی نیز می‌باشد، زیرا هریک از آنها از نیروی نظامی برای اعمال نفوذ بر رفتار سایر دولت‌ها استفاده می‌کنند.

### الگوهای فعلی در ساختار رقابت نظامی ایران و آمریکا

هرچند جهان تمایل دارد توجه خود را بر برنامه‌های هسته‌ای ایران متمرکز سازد، ولی الگوهای فعلی رقابت نظامی میان ایران و آمریکا و همسایگان عرب ایران چهار بُعد مهم ذیل را در خود دارد<sup>۱</sup> که چه بسا می‌توانند پیوندهایی نیز با موضوع هسته‌ای ایران داشته باشند.

#### الف) نیروهای متعارف ایران

ایران می‌کوشد نیروهای متعارف خود را به‌گونه‌ای ارتقا بخشد که بتواند نفوذ خود را گسترش داده و گزینه‌های نظامی آمریکا را محدود سازد.

نتیجه نهایی این تلاش در خلیج فارس تداوم و تقویت چالشگری ایران با آمریکا در منطقه خلیج فارس به‌ویژه در حیطه جنگ‌های هوایی، موشکی، دریایی و نیز در

---

۱. تلاش شیطنت‌آمیز آمریکا و متحدان غربی‌اش برای اجماع‌سازی جهانی بر علیه فعالیت‌های صلح‌آمیز ایران یک نیرنگ سیاسی است و واقعیت این است بجز آن چند کشور، اغلب کشورهای جهان از فعالیت صلح‌آمیز هسته‌ای ایران حمایت می‌کنند.

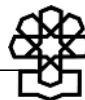
تلاش آمریکا در ارائه حمایت نظامی و انتقال ادوات نظامی به دولت‌های شورای همکاری خلیج فارس و اسرائیل است.

### ب) جنگ نامتقارن و نامنظم

ایران تلاش‌های چشمگیری برای ارتقای توانمندی خود در زمینه جنگ نامتقارن و به‌کارگیری آن نیروها جهت اعمال فشار، تهدید یا حمله به سایر قدرت‌ها به شیوه‌هایی که ایالات متحده مقابله با آنها را دشوار می‌یابد، انجام داده است.

تلاش‌های ایران برای توسعه توانمندی‌های پیشرفته در زمینه جنگ نامتقارن بر ارتقای توانمندی‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تمرکز یافته است، اما این توانمندی‌ها بر تماس ابعاد تلاش‌های امنیتی و نظامی ایران تأثیر می‌نهد. هر سلاح و هر نوع نیرویی را می‌توان به شیوه‌های نامتقارن، نامنظم و یا مختلط به‌کار برد.

تلاش‌های نظامی ایران برای رقابت با آمریکا و همسایگانش از طریق توسعه توانمندی‌های پیشرفته در زمینه جنگ نامتقارن را نمی‌توان از تأکید ایران بر موشک‌ها و تسلیحات کشتار جمعی منفک کرد هر دو محدودیت‌های نیروهای متعارف ایران را جبران می‌کنند و به‌عنوان جایگزین آن عمل می‌کنند. وانگهی، اگر ایران به سلاح هسته‌ای دست یابد، این وضعیت حداقل بر اعمال بازدارندگی در برابر هرگونه واکنش به روی آوردن ایران به جنگ نامتقارن تأثیر خواهد نهاد.



### ج) گسترش نواحی عملیات و حوزه‌های نفوذ

کانون استراتژیک رقابت نظامی ایران و آمریکا بر تلاش‌های ایران برای ارتقای توانمندی‌های نظامی ایران در خلیج فارس، تنگه هرمز و خلیج عمان تمرکز یافته است، اما با این حال، هم‌اکنون به سراسر بخش زیادی از خاورمیانه و شمال آفریقا، به آسیای میانه و جنوب آسیا و ورای آن گسترش یافته است.

### د) موشک‌ها و تسلیحات کشتار جمعی

ایران قدرت لازم برای تولید سلاح شیمیایی را در اختیار دارد، موشک‌های دوربرد دارد و چه بسا می‌تواند سلاح‌های بیولوژیک نیز تولید کند و به نظر می‌رسد به منظور مقابله با توانمندی آمریکا جهت تهدید کردن و اعمال بازدارندگی در برابر ایران و نیز به منظور اعمال نفوذ بر همسایگانش، به دنبال دستیابی به سلاح هسته‌ای است. ایالات متحده درصدد است از دستیابی ایران به سلاح‌های هسته‌ای و موشک‌های دوربرد جلوگیری کند و در عین حال در صورتی که ایران در این زمینه‌ها توفیق یافت گزینه‌هایی برای بازداشتن و دفاع در برابر ایران در اختیار داشته باشد.

### دیدگاه‌های ملی متفاوت

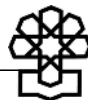
رقابت نظامی، به مانند هر جنبه دیگر رقابت ایران و آمریکا، براساس ادراک‌ها و پویش‌های سیاسی ایران، آمریکا و کشور یا کشورهای ثالث شکل می‌گیرد.

## الف) ادراک‌های آمریکا

سیاستگذاران و برنامه‌ریزان آمریکایی توجه خود را بر طیف کاملی از توانمندی‌های نظامی ایران متمرکز می‌سازند زیرا این توانمندی‌ها بر کل منطقه و اظهارات و نیز کنشگران غیردولتی در خارج از خلیج فارس تأثیر می‌نهند. آنها توجه خود را بر طیف کاملی از اقدامات و توانمندی‌های نظامی ایران و نیز این واقعیت که ایران نقش روزافزونی را در خارج از خلیج فارس در منطقه شرق مدیترانه ایفا می‌کند، متمرکز می‌سازند که آمریکا و بسیاری از متحدانش آن را یک تهدید مضاعف ادراک می‌کنند.

برنامه‌ریزان آمریکایی توجه خود را بر این واقعیت که ایران رفته‌رفته رقابت با آمریکا بر یک مبنای جهان‌گستر را آغاز کرده است، متمرکز می‌سازند. اقدامات ایران طیف وسیعی از رویه‌ها از مداخله در امور داخلی مراکش گرفته تا اتحاد تبلیغاتی و سیاسی ضدآمریکایی با رژیم چاوز در ونزوئلا را دربر می‌گیرد. در عین حال، سیاستگذاران و برنامه‌ریزان آمریکایی مکرراً خاطرنشان ساخته‌اند که ایران یک تهدید نامتقارن در خلیج فارس و برای همه همسایگانش ایجاد می‌کند و ایران تهدیدی را ایجاد می‌کند که می‌تواند به بروز بحران بزرگی در صادرات نفت خلیج فارس و بازارهای جهانی نفت منتهی شود. ایالات متحده هم‌اکنون به‌منظور مقابله با این تهدیدات، پیمان‌های اتحاد دولت‌های حاشیه جنوبی خلیج فارس را منعقد ساخته و جهت یافتن راه‌هایی برای مهار ایران و محدودسازی توانایی آن در ایجاد تهدید امنیتی در عراق به همکاری عمیق با دو کشور اردن و مصر روی آورده است.

سیاستگذاران و برنامه‌ریزان ایالات متحده احساس می‌کنند که توانمندی‌های تسلیحات



هسته‌ای و موشکی ایران، کل خلیج فارس، بسیاری دولت‌های دیگر منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا و ترکیه را تهدید می‌کند. سیاستگذاران آمریکایی موشک‌های ایران را تهدید بالقوه‌ای علیه اروپا در هر رویارویی که ایران درصدد برآید در برابر اقدامات نظامی آمریکا بازدارندگی ایجاد کند، قلمداد می‌کنند آنها همچنین آشکار ساخته‌اند که احساس می‌کنند ایران نه تنها اسرائیل، بلکه فرآیند صلح اعراب و اسرائیل را نیز تهدید می‌کند. ایالات متحده با این واقعیت روبرو است که ایران مخالف مذاکرات صلح اعراب و اسرائیل است و احتمالاً حاضر نیست هیچ راه‌حل صلحی میان اعراب و اسرائیل را در آینده نزدیک بپذیرد.

هم بوش و هم اوباما و برخی از مقامات ارشد نظامی و غیرنظامی ایالات متحده آشکار ساخته‌اند که ایالات متحده گزینه‌های نظامی را برای ضربه زدن به برنامه‌های هسته‌ای و موشکی ایران توسعه داده است. رهبران آمریکا همچنین آشکار ساخته‌اند که رقابت نظامی را به‌عنوان وضعیتی که لاجرم به شکلی از عملیات جنگی می‌انجامد قلمداد نمی‌کنند و به‌کار بردن این‌گونه گزینه‌های نظامی را نیز مطلوب نمی‌دانند.

سیاستگذاران آمریکایی - و نیز اکثر اروپایی‌ها - درحال حاضر این ادراک را دارند که با بهره‌گیری از گزینه‌هایی مثل تحریم‌ها و مذاکره‌ها و نیز با تمرکز کردن بیشتر بر گزینه‌های دیپلماتیک می‌توان با تهدید ایران مقابله کرد، هرچند رهبران آمریکا آشکار می‌سازند که گزینه‌های نظامی همچنان روی میز است. رهبران نظامی کلیدی آمریکا مثل ژنرال مولن،<sup>۱</sup> ژنرال پتراوس<sup>۲</sup> و ژنرال دمپسی<sup>۳</sup> آشکار ساخته‌اند که مخالف هرگونه حمله اسرائیل به ایران در آینده نزدیک هستند و این‌گونه اقدامات

---

1. Mullen

2. Petraeus

3. Dempsey

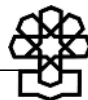
را در برهه‌ای که ایالات متحده هنوز درگیر با عراق و افغانستان و در سطح وسیع‌تری در کشمکش با افراط‌گرایان اسلامی است، به شدت بی‌ثبات‌کننده می‌دانند.

### ب) ادراک‌های ایران

سیاستمداران و برنامه‌ریزان ایران ایالات متحده را تهدید اصلی علیه ایران می‌دانند و مدعی هستند که ایالات متحده را بزرگ‌ترین تهدید - و پس از آن اسرائیل - علیه کل منطقه می‌دانند. هرچند دیدگاه‌های خصوصی آنها ممکن است متفاوت و چه بسا گوناگون باشد و ایران از تهدید ناشی از آمریکا و اسرائیل برای توجیه تقویت نظامی که با هدف افزایش نفوذ خود بر همسایگان عربش و ترکیه انجام می‌گیرد استفاده کند ولی افسران و رهبران کلیدی ایران رقابت نظامی خود با ایالات متحده را مبنای تلاش برای افزایش قدرت نظامی توصیف کرده‌اند.

مواضع و اظهارات رهبران نظامی و غیرنظامی ایران نشان می‌دهند که ایران در مورد خودش «به‌عنوان قدرت مهم در خلیج فارس، به‌عنوان یک رهبر منطقه‌ای طبیعی و به‌عنوان دولتی با مأموریت تاریخی و مذهبی ویژه و برخوردار از توجیه تاریخی و مذهبی برای اقداماتش» ادراک می‌کند. وانگهی این مواضع و اظهارات نشان می‌دهند که ایران ایالات متحده و متحدان منطقه‌ای ایالات متحده را تهدید عمده‌ای علیه آنچه رهبران و افسران ایران به‌عنوان «حق ایران برای ظهور به‌عنوان دولت مسلط خلیج فارس» ادراک می‌کند، قلمداد می‌کند.

تمرین‌های نظامی و استقرار نیروهای ایران نیز از این ادراک حکایت دارد که حضور



نظامی ایالات متحده در خلیج فارس خصمانه و نامقبول است. تمرکز ایران بر دکترین نامتقارن در استراتژی‌های نظامی خود نشان می‌دهد این کشور چه کسی را اصلی‌ترین تهدید نفوذ منطقه‌ای و امنیت ملی‌اش ادراک می‌کند. ناوگان پنجم ایالات متحده و پایگاه‌های نظامی ایالات متحده در خلیج فارس، واکنش ایران به قدرت سخت قاطع ایالات متحده در منطقه توسعه طیفی توانمندی‌های نامتقارن که بر رویارویی با نیروهای ایالات متحده و در عین حال پرهیز از نبرد مرزی و اثبات توانایی بستن خلیج فارس جهت مختل‌سازی رفت‌وآمد کشتی‌های نفتی در خلیج فارس تمرکز می‌یابد بوده است.

زرادخانه موشک‌های بالستیک ایران جلوه دیگری از ادراک‌های تهدید ایران است، زیرا به بُعد دیگری از پاسخ نامتقارن ایران به حضور ایالات متحده در منطقه قوام می‌بخشد. مقامات نظامی ایران در اغلب مواقع به نحوی علنی از توانایی ایران برای حمله به اسرائیل و پایگاه‌های آمریکا در خلیج فارس با بهره‌گیری از طیفی از موشک‌ها سخن می‌رانند.

هرچند ادراک ایران در مورد آمریکا در اغلب مواقع آشکارا منفی و تقابلی است ولی رویکرد امنیتی ایران در قبال کشورهای عرب خلیج فارس به دنبال پایان جنگ ایران جنگ ایران و عراق در سال ۱۹۸۸ تا تقریباً سال ۲۰۱۰ گوناگون‌تر بود و ایران در اغلب مواقع شعارهای دوستانه‌ای را مطرح می‌ساخت که به مفاهیم اخوت اسلامی و انسجام منطقه‌ای استناد می‌کردند، اما با این حال وقتی مقامات ایرانی اظهارات سازش‌جویانه‌ای را در مورد همسایگان خود در خلیج فارس مطرح می‌کردند در اغلب مواقع ترجیح نمی‌دادند آنها را به‌عنوان طرف‌های برابر بپذیرند. این تمایل (ترجیح)

بلندپروازی‌های منطقه‌ای ایران و ادراک‌های ایران در مورد همسایگان خود در خلیج فارس را آشکار می‌سازد.

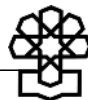
در همین راستا، در اواخر سال ۲۰۱۱ ایران رفته‌رفته از مسدود کردن خلیج فارس سخن گفت و تهدیدهای به مراتب مستقیم‌تری را مطرح ساخت به‌گونه‌ای که بعدها روشن شد که ایران درحال اجرای توطئه ترور سفیر عربستان سعودی در آمریکا در اکتبر ۲۰۱۱ بوده است.

### ج) ادراک‌های اعراب و ترکیه

هر جنبه‌ای از رقابت نظامی ایران و آمریکا طیف گسترده‌ای از بازیگران دیگر را نیز درگیر می‌سازد. به‌طور کلی، به‌علت پیوندهای (مناسبات) ایالات متحده با دولت‌های جنوب خلیج فارس، ترکیه، سایر دولت‌های عربی، اسرائیل به‌نفع و اشنگتن می‌چربد. اما با این‌حال ایران یک اتحاد نظامی غیررسمی با سوریه و حزب‌الله لبنان برقرار کرده است و هم‌اکنون به نحو فعالانه‌ای برای اعمال نفوذ نظامی در عراق با آمریکا رقابت می‌کند.

دولت‌های جنوب خلیج فارس، اغلب کشورهای دیگر جهان عرب، اسرائیل، برخی از قدرت‌های منطقه‌ای، ایران را یک تهدید بالقوه یا بالفعل ادراک می‌کنند. این ادراک‌ها از کشوری به کشور دیگر برحسب ریسک، اولویت و احتمال تفاوت می‌کند و برحسب تغییرات در رفتار ایران، نیروهای نظامی ایران و توانمندی‌های هسته‌ای ایران نوسان می‌یابد.

تفاوت‌های بیشتری نیز در درون برخی از کشورها میان ادراک‌های رهبران و نخبگان امنیتی از یک‌سو و ادراک‌های عامه مردم و رسانه‌ها از سوی دیگر وجود



دارد، اما آنچه تعیین‌کننده‌تر است، به‌ویژه به‌دنبال طغیان‌های سیاسی اخیر در جهان عرب، ادراک‌های سرویس‌های جاسوسی ملی، برنامه‌ریزان نظامی و تصمیم‌گیرندگان عالی‌رتبه‌ای است که معمولاً به سیاست‌های ملی شکل می‌دهد. اینان ایران را تهدید و ایالات متحده را متحد قلمداد می‌کنند.

در گذشته، رهبران عرب مشی محتاطانه‌ای را در مورد اشاره علنی به تهدید بودن ایران، با وجود آنکه در محافل خصوصی بدان اذعان داشته، اتخاذ می‌کردند. ولی درحال حاضر بسیاری از رهبران عرب خلیج فارس و مقامات نظامی و کارشناسان اطلاعاتی آنها ایران را تهدیدی که مدام تقویت می‌شود، قلمداد می‌کنند. رهبران عرب کشورهای خلیج فارس نه تنها توانمندی‌های موشکی و هسته‌ای ایران را تهدید قلمداد می‌کنند، بلکه به مراتب بیشتر از آمریکایی‌ها در قبال تهدیدهای نامتقارنی که ایران علیه قلمرو و صادرات نفتشان ایجاد می‌کند، حساسیت دارند.

این نگرانی‌ها در طی سال ۲۰۱۱ به مراتب علنی‌تر شده است، رهبران آمریکا و کشورهای عرب خلیج فارس و مقامات نظامی و کارشناسان اطلاعاتی آنها دغدغه‌های مشترکی در مورد توانایی روبه افزایش ایران در استفاده از نیروهای نامتقارن تخصص‌یافته‌ای مثل سپاه قدس و عناصر کلیدی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دارند. رویدادهای بحرین نگرانی‌های اعراب را تشدید کرده است و بسیاری در خلیج فارس بر این باورند که ایران از شورشیان الحوثی در یمن حمایت کرده است و درصدد نفوذ سلطه‌آمیز در عراق می‌باشد. اقدام آمریکا در کشف و افشای توطئه ترور سفیر عربستان سعودی در آمریکا که با نیروی قدرت ایران پیوند دارد در اکتبر

۲۰۱۱ این‌گونه نگرانی‌ها را جدی‌تر ساخته است.<sup>۱</sup> این وضعیت معضلاتی را برای هر کشور عربی خلیج فارس که اکثریت شیعیان را در خود دارد ایجاد می‌کند و علاوه بر این خطر تنش و برخوردهای گسترده‌تر میان شیعیان و اهل تسنن در سراسر جهان اسلام را تشدید می‌کند.

ترکیه - که نقش تعیین‌کننده‌ای را در قبال ایران، سوریه، عراق ایفا می‌کند - همچنان مراقب است که از رویارویی مستقیم با ایران بپرهیزد. ترکیه نیروهای نظامی زیادی را در نواحی شرقی قلمرواش مستقر ساخته است و نقش روزافزونی را در تلاش برای برقراری ثبات در عراق ایفا می‌کند و پایگاه‌های پدافند موشکی نیز در شرق قلمروی خود دارد.

علاوه بر این ترکیه نقش فزاینده‌ای را در پیشبرد اصلاحات سیاسی و تغییر در سوریه ایفا می‌کند - اقداماتی که پیوندهای نظامی ایران با سوریه و لبنان را محدود خواهد ساخت - و احتمالاً بر نفوذ ایران در عراق تأثیر می‌نهد.

#### د) ادراک‌های اسرائیل

اسرائیل رقابت نظامی خود با ایران را از منظر متفاوتی می‌نگرد بسیاری از اسرائیلی‌ها به علت برخورداری ایران از موشک‌های دوربرد و برنامه هسته‌ای، ایران را تهدیدی بالفعل و نوظهور در نظر می‌گیرند. اسرائیلی‌ها دیدگاه تنگ‌نظرانه‌تری در

---

۱. این دیدگاه نشانگر تلاش تفرقه‌افکنانه آمریکا برای ایجاد خصومت و شکاف میان ایران و کشورهای عربی است، زیرا هیچ مدرکی دال بر صحت این ادعاها وجود ندارد، این درحالی است که خود آمریکا به مداخله‌گرایی در تحولات این کشورها روی آورده است.



مورد تهدید نامتقارن ایران دارند و توجه خود را بر اقدامات ایران از قبیل حمایت ایران از حزب‌الله در لبنان و مسلح‌سازی حماس در غزه متمرکز می‌سازند.

اسرائیل به‌طور کلی اعلام کرده است که باید از دستیابی ایران به تسلیحات هسته‌ای جلوگیری کرد و در این راستا، بسیاری از اسرائیلی‌ها این جلوگیری را به قدری مهم می‌دانند که حملات نظامی اسرائیل و آمریکا به ایران را توجیه می‌کنند. مقامات و افسران اسرائیلی دفاع موشکی را گزینه‌ای کلیدی قلمداد می‌کنند و معتقدند که تقریباً هیچ مخالفت صریحی در مورد نقشی که نیروهای هسته‌ای ایران نداشته اسرائیل در ایجاد بازدارندگی در برابر ایران یا حمله بالقوه به ایران ایفا می‌کنند، وجود ندارد.

در مقابل، ادراک‌های تهدید آمریکا، اروپا، کشورهای جنوب خلیج فارس و ترکیه بیشتر بر طیف گسترده‌تری از تهدیدهای ایران تمرکز می‌یابند. این ادراک‌ها عبارتند از: تهدیدهای ناشی از پیوندهای ایران با سوریه، روابط نزدیک‌تر ایران با ترکیه، نقش ایران در افغانستان، نقش گسترده‌تر ایران در آسیای مرکزی. دولت‌های عرب مثل مصر و اردن نگرانی خود را در مورد تهدید بالقوه‌ای که ایران از طریق روابطش با سوریه و ایجاد یک هلال شیعی که لبنان و عراق را در خود جای می‌دهد ابزار داشته‌اند.

### ادراک‌ها در مورد «جنگ تحریم‌ها»

در نهایت ما نمی‌توانیم «ادراک‌های تهدید» آمریکا، اروپا، دولت‌های عرب خلیج فارس، ترکیه، اسرائیل، روسیه و چین و سایر کشورها را از «جنگ تحریم» میان ایران و آمریکا

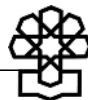
و تهاجم دیپلماتیک ایران در سازمان ملل - در سراسر جهان - جهت مقابله با تحریم‌ها و جلب رضایت سایر کشورها در زمینه برنامه هسته‌ای اعلان شده‌اش منفک سازیم. این کشمکش دربر گیرنده تلاش‌های ایران برای استفاده از انرژی و سایر فرصت‌های سرمایه‌گذاری جهت همراهِ سازی روسیه و چین و وارد کردن تسلیحات پیشرفته از هر دو کشور مذکور می‌باشد. هرچند اسرائیل، آمریکا و دولت‌های عرب خلیج فارس فروش‌های تسلیحاتی و انتقال فناوری به ایران را از منظرهای کم و بیش متفاوتی بی‌ثبات‌ساز ادراک می‌کنند ولی همگی، این‌گونه فروش‌ها و انتقال‌ها را یک تهدید می‌دانند.

### عدم قطعیت‌های کلیدی در ارزیابی جزئیات رقابت نظامی ایران و آمریکا

برآوردها و ادراک‌ها در زمینه داده‌های مربوط به نیروهای متعارف و توانمندی‌های ایران در زمینه جنگ نامتقارن به‌طور کلی دقیق هستند، ولی این سطح دقت تنها بر برآوردها در زمینه اندازه نیروها و تعداد ادوات و نفرات تأثیر می‌نهد نیت ایران در تقویت این‌گونه نیروها چندان واضح نیست همچنان‌که نیت ایران در زمینه به‌کارگیری آنها نیز این‌چنین است. ایران در اغلب مواقع تهدید از الفاظی تندروانه مانند به توسل به زور استفاده می‌کند.

### الف) عدم قطعیت‌های تأثیرگذار بر برنامه‌های هسته‌ای و موشکی

بسیاری از جنبه‌های برنامه هسته‌ای و موشکی ایران مبهم است و کارشناسان ناگزیر به گمانه‌زنی در این زمینه‌اند، این ابهام‌ها عبارتند از: عدم قطعیت در مورد تلاش ایران



برای کسب تسلیحات هسته‌ای، عدم قطعیت در مورد زمان دقیق دستیابی ایران به این توانمندی و توانایی ایران در مستقرسازی این تسلیحات بر روی کلاهک‌های موشکی، عدم قطعیت در مورد تعداد تأسیسات هسته‌ای ایران، عدم قطعیت در مورد سطح پیشرفت سانتریفیوژها، عدم قطعیت در مورد اندازه و ماهیت طرح‌های ایران برای استقرار یک نیروی مسلح به سلاح هسته‌ای، عدم قطعیت در مورد نقش جنگنده‌ها و انواع موشک‌ها، عدم قطعیت در مورد نحوه استقرار چنین نیرویی، عدم قطعیت در مورد نوع سیستم‌های فرماندهی، ارتباطات، کامپیوتر و نظارت ایران.

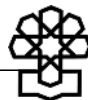
### ب) عدم قطعیت‌های تأثیرگذار بر ثبات نظام و تغییر نظام

هیچ اجماع نظری میان کارشناسان اروپایی، آمریکایی، اسرائیلی و کشورهای عرب خلیج فارس در مورد سطح بی‌ثباتی سیاسی در ایران، اینکه تا چه اندازه‌ای وقوع تغییر نظام نزدیک است و تغییر نظام چه تأثیری بر تهدید ایران می‌نهد، وجود ندارد. از این رو، کارشناسان و تصمیم‌سازان در ایالات متحده و اسرائیل و نیز در هریک از کشورهای عرب خلیج فارس و در کشورهای مثل بریتانیا، فرانسه، آلمان، چین و روسیه همگی دیدگاه‌هایی دارند که تهدید ایران را از منظرهای بسیار متفاوتی ادراک می‌کنند.

### ج) عدم قطعیت‌های تأثیرگذار بر دیدگاه مقامات ملی، افسران نظامی و کارشناسان جاسوسی کشورهای مورد نظر

هیچ روزنه آشکاری در مورد درک این موضوع که تا چه اندازه دیدگاه‌های مقامات و کارشناسان جاسوسی آمریکا، اروپا، اسرائیل و کشورهای عرب خلیج فارس در عالم واقع با هم متفاوت است وجود ندارد زیرا بسیاری از جزئیات این دیدگاه‌ها حساس و طبقه‌بندی شده هستند. دیدگاه‌های برخی از کنشگران به‌طور مستمر در حال تغییر و تحول است و واضح است که هیچ دیدگاه بی‌همتایی در مورد تهدید ایران وجود ندارد. منابعی مثل ویکی‌لیکس نیز نشان می‌دهند که تعداد اندکی از کشورهای عرب و کشورهای حاشیه خلیج فارس به اندازه دولت‌های غربی در بحث در مورد موضوعات امنیت ملی شفاف و روشن عمل می‌کنند. رهبران عرب در اغلب مواقع در انظار عمومی به‌گونه‌ای سخن می‌گویند که ایران دوست آنهاست ولی در خفا و در ملاقات‌های خصوصی ایران را تهدید به‌شمار می‌آورند.

البته، تشکیک‌هایی در مورد وحدت رهبران ایران و نقش نسبی شخصیت‌های کلیدی مثل رئیس‌جمهور و رهبر عالی ایران در شکل‌دهی به سیاست‌های نظامی و استقرار نیرو وجود دارد. هرچند بیانات افسران ارشد نظامی ایران هم در ارتش و هم در سپاه پاسداران نسبتاً هماهنگ است، ولی آنان عمدتاً بر مخاطبان خارجی تمرکز می‌کنند و روشن نیست که آیا آنان در مورد استراتژی کلی، طرح‌های استقرار نیرو یا طرح‌های عملیاتی با هم اتفاق نظر دارند یا خیر. به‌نظر می‌رسد که مانورهای نظامی ایران میزان چشمگیری از هماهنگی و انسجام را نشان می‌دهد ولی همین هماهنگی



نیز چندان شفاف نیست. هرچند گمانه‌زنی در مورد این‌گونه روابط قدرت و اختلاف‌نظرها در ایران امکان‌پذیر است، ولی داده‌های بسیار کمی برای ارائه قضاوت‌های معنادار و واقع‌بینانه وجود دارد.

### رقابت در نیروهای نظامی متعارف

ارقام و داده‌ها در زمینه نیروهای متعارف و سیستم‌های تسلیحاتی متعارف به روشن‌ترین وجوهی وجود دارند. رقابت در نیروهای متعارف به نفع ایالات متحده و دوستان و متحدان منطقه‌ای آن است، هرچند بی‌بهره بودن عراق از تسلیحات متعارف عظیم یک استثنا ی بارز به‌شمار می‌آید. ایالات متحده و دولت‌های حاشیه جنوبی خلیج فارس نه تنها نیروهای متعارف بزرگ‌تر و مدرن‌تری دارند، بلکه هیچ دورنمایی هم وجود ندارد که ایران در میان‌مدت بتواند به پای آنها برسد.

اما باید خاطر نشان ساخت که اگر ایران بتواند تهدید به اوج‌گیری خطر هسته‌ای یا وقوع یک بحران هسته‌ای را تحقق ببخشد، یا اگر نیروهای متعارف و نامتقارن ایران دست به‌دست هم دهند بهره‌برداری از این مزیت برای ایالات متحده به مراتب دشوارتر است.

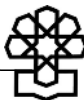
ایران قادر نبوده است در زمینه هزینه‌های نظامی و واردات تسلیحات مدرن پیشرفته در مقیاسی که برای تغییر دادن توازن لازم است با دشمنان خود رقابت کند. هرچند ایران ادعاهای تبلیغاتی در نفی این مدعا دارد، ولی باید گفت که ایران هنوز نتوانسته است صنایع دفاعی ملی را که بتوانند طیفی از سیستم‌های تسلیحاتی مورد

نیاز را تولید کنند به وجود آورد.

آمار و ارقام نشان می‌دهند که توانمندی‌های متعارف ایران نسبت به توانمندی‌های متعارف دولت‌های حاشیه جنوبی خلیج فارس محدود است و اگر اندازه‌گیری کمی سطح نیروهایی که ایالات متحده در یک موقع معین مستقر خواهد ساخت امکانپذیر باشد، توانمندی‌های ایران در این زمینه حتی محدودتر خواهد بود.

همچنین باید خاطر نشان ساخت که به‌رغم وجود برخی هراس‌های بسیار احمقانه از جنگ در طول اشغال عراق به‌وسیله آمریکا و ترس‌هایی که ایران را به انجام مانورهای دفاعی زمینی گسترده جهت آمادگی برای مقابله با تجاوز آمریکا سوق داد، ایالات متحده هرگز تدابیر عملی حداقلی برای انجام حمله‌ای مثل حمله به عراق علیه ایران تدارک ننید. هم‌اکنون آمریکا هیچ نیروی رزمی در عراق ندارد و نیروهای زمینی محدودی نیز در بقیه کشورهای حوزه خلیج فارس دارد. علاوه بر این، آمریکا نیرو، پایگاه لجستیکی، یا توانمندی‌های پشتیبانی جهت حمله به ایران از خاک افغانستان ندارد زیرا حمله به ایران از این طریق هیچ توجیه جغرافیایی ندارد.

ایران چه بسا ممکن است از طریق عراق و کویت به آب‌های شمالی خلیج فارس حمله کند، ولی با واکنش فوری ایالات متحده، شورای همکاری خلیج فارس، بریتانیا و فرانسه مواجه و ناگزیر میدان جنگ را در برابر برتری هوایی آمریکا و شورای همکاری خلیج فارس با استفاده از نیروهای زمینی که جهت عملیات‌های تدافعی در خاک ایران تدارک دیده شده‌اند، با روی آوردن به جنگ تهاجمی به داخل خاک عراق بکشاند. گرچه ایران نمی‌تواند حملات آبی - خاکی انجام دهد، ولی قادر است نیروهای



عظیمی را به فواصل دوردست جابجا کند. هرگونه عملیات آبی - خاکی که آب‌های خلیج فارس را در نوردد و پا به ساحل جنوبی خلیج فارس نهد، در مواجهه با نیروهای هوایی و دریایی آمریکا و کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس، نوعی خودکشی بیش نخواهد بود.

با این اوصاف، نیروهای متعارف ایران نمی‌توانند با دولت‌های آمریکا و حاشیه جنوبی خلیج فارس در هیچ شکلی از بُرد متعارف رقابت کنند، اما با این‌حال اظهارات رسمی ایران موضع بسیار متفاوتی را در مورد کل موازنه توانمندی‌های متعارف ایران و آمریکا اتخاذ می‌کنند و مشروعیت حضور نظامی نیروهای متعارف آمریکا را پیوسته به چالش می‌کشند.

اما یک عامل غیرقابل پیش‌بینی نیز در این موازنه متعارف وجود دارد و آن همانا یک عراق ضعیف است؛ در عالم واقع، تلفیقی از نیروهای آمریکایی و نیروهای نظامی دولت‌های حاشیه جنوبی خلیج فارس و نیز پایگاه‌ها و منابعی که آنها در اختیار دارند، یک مزیت قاطع و تعیین‌کننده‌ای را عملاً در هر جنبه‌ای از رقابت نظامی متعارف بین ایران و آمریکا به ایالات متحده و کشورهای مذکور می‌بخشد، اما با این‌حال، همین تلفیق نقاط قوت و ضعف ایران و کشورهای عرب خلیج فارس نیز ایالات متحده را با یک برهه ده‌ساله‌ای مواجه می‌سازد که در آن، ایالات متحده باید از طریق حفظ نیروهای متعارف خود در خلیج فارس با ایران رقابت کند تا بتواند در برابر طیفی از تهدیدهای ایران علیه منطقه خلیج فارس از جمله موشک‌ها، تسلیحات کشتار جمعی، نیروهای نامتقارن و نیروهای متقارن، بازدارندگی ایجاد کند.

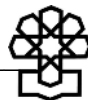
ایالات متحده علاوه بر این باید توجه خود را بر تقویت نیروهای نظامی دولت‌های حاشیه جنوبی خلیج فارس نیز که با همین طیف تهدیدها روبرو هستند و برای نفوذ در عراق با ایران رقابت می‌کنند متمرکز سازد و نیروهای امنیتی را در عراق ایجاد کند که بتوانند هم امنیت داخلی را برقرار سازند و هم در برابر ایران بازدارندگی ایجاد کنند.

سرانجام، عراق یک عامل پیش‌بینی نشده در رقابت نیروهای متعارف است. عراق تقریباً تمامی تسلیحات متعارف عمده خود را در طول حمله آمریکا در سال ۲۰۰۳ از دست داد.

تاکنون ایالات متحده نتوانسته است در مورد یک چارچوب استراتژیک کارآمد با عراق به دنبال خروج نیروهای متعارف آمریکا از عراق در سال ۲۰۱۱ مذاکره کند. حتی اگر ایالات متحده بتواند چنین شراکت استراتژیک کارآمدی را با عراق توسعه دهد، بعید است که یک توان متعارفی را جهت مقابله با ایران در برهه پیش از سال ۲۰۲۰ در اختیار عراق قرار دهد. ایران در حال حاضر فاقد طرح منسجمی برای نوسازی نیروهای نظامی خود است و طرح‌های این کشور برای واردات ام - یک و اف - ۱۶ تنها اولین گام در بازسازی توانمندی‌های دفاعی ملی‌اش می‌باشند.

### رقابت در نیروهای نامتقارن

تمامی روندهای مربوط به رقابت در نیروهای متعارف نشان می‌دهند که چرا ایران می‌کوشد ناتوانی خود در نوسازی نیروهای متعارف، تأخیرها در تلاش‌های مربوط



به تولید ادوات نظامی، محدودیت‌ها در زمینه ارتقای انواع مختلف نیروهای نظامی را با تقویت نیروهای «نامتقارن» یا «نامنظم» جبران کند.

این تلاش‌ها به بهره‌گیری از تسلیحات و سایر فناوری‌های نظامی جهت سوق دادن نیروهای متعارف به بهره‌برداری از نقطه‌ضعف نیروهای متعارف آمریکا، متحدان آمریکا و کشورهای عرب خلیج فارس انجامیده است.

علاوه بر این نیروهای نامتقارن ایران توانمندی‌های زمینی، هوایی، موشکی و دریایی را به نحو روزافزونی در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی جای داده‌اند. این نیروها عبارتند از: عناصر کم‌شمار و به سختی قابل شناسایی که مهارت خاصی در نبرد نامتقارن موشکی و مین‌گذاری در خلیج فارس دارند؛ عناصر افراط‌گرا و متخاصم در سایر کشورها؛ و نیروهای موشکی دوربرد تحت کنترل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که می‌توانند هر هدفی در منطقه خلیج فارس را مورد حمله قرار دهند.

هرگونه به‌کارگیری این‌گونه نیروها تأثیراتی به مراتب کمتر از استفاده ایران از تسلیحات هسته‌ای برجای می‌نهد رویدادهایی از قبیل تهدید ایران به بستن تنگه هرمز نشان داده‌اند که ایران به‌طور پیوسته خطرات روزافزونی را ایجاد می‌کند. ایران تهدیدهای به‌مراتب بیشتری را در واکنش به روی آوردن آمریکا و اتحادیه اروپایی به تشدید تحریم‌های اقتصادی انجام داده است و البته این‌گونه تهدیدها و حتی عملی‌سازی آنها کمتر از حملات موشکی یا هسته‌ای تحریک‌برانگیز خواهد بود و به مراتب محتمل‌تر نیز می‌باشد. این وضعیت، این حوزه رقابت نظامی را برای دولت‌های عرب خلیج فارس، تأمین امنیت جریان صادرات انرژی جهانی و ثبات اقتصاد جهانی،

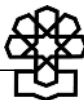
حساس و تعیین‌کننده می‌سازد.

با این اوصاف می‌توان گفت ایران ترکیبی از توانمندی‌های زمینی، هوایی و دریایی را که می‌تواند همسایگانش را تهدید کند، ایالات متحده را به چالش بکشد و بر سایر بخش‌های خاورمیانه و آسیا تأثیر بگذارد توسعه داده است. چه بسا ایران قادر خواهد بود از کنشگران دولتی و غیردولتی به‌عنوان دست‌نشانده جهت تهدید کردن همسایگان خود، از جمله افغانستان، عراق و اسرائیل بهره‌گیرد. این نیروهای دولتی و غیردولتی عناصر نظامی کلیدی رقابت استراتژیک ایران به‌شمار می‌آیند و اندازه و توانمندی آنها نیز هر روز رو به افزایش است.

### بستن خلیج فارس: گزینه‌های نظامی ایران برای جنگ نامتقارن در جهان واقع

تهدیدهای اخیر ایران به بستن خلیج فارس نمونه ملموس دیگری دال بر توانمندی‌های جنگ نامتقارن ایران را به‌دست می‌دهد در اواخر سال ۲۰۱۱ و اوایل سال ۲۰۱۲، ایران رزمایش‌های نظامی را در خلیج فارس انجام داد تا توانمندی اعلانی‌اش برای بستن تنگه هرمز را به اثبات برساند و اظهارات تهدیدآمیز در مورد حضور ناوگان پنجم آمریکا در منطقه را در عمل نشان دهد و هم‌اکنون مجلس ایران نیز لایحه‌ای را در دست بررسی دارد که حضور کشتی‌های جنگی خارجی در خلیج فارس بدون کسب مجوز از نیروی دریایی ایران را ممنوع می‌سازد.

به هر حال ایران رفته‌رفته این تهدیدگری‌ها را در اواخر سال ۲۰۱۱ آغاز کرد و این را در برهه‌ای به اجرا نهاد که آشکار نشان می‌دهد که معجون رقابت ایران و



آمریکا تا چه اندازه می‌تواند در ابعاد دیپلماتیک، اقتصادی و نظامی پیچیده باشد ایران یک رشته از رزمایش‌های بزرگ دریایی در داخل و خارج از خلیج فارس را به‌عنوان پشتوانه تهدیدهایش انجام داد. ایران این رویه را در برهه‌ای تداوم بخشید که تسلیحات هسته‌ای‌اش رفته‌رفته به نقطه‌ای نزدیک می‌شد که ایران را در آستانه دستیابی به تسلیحات هسته‌ای قرار می‌داد و ایران تأسیسات غنی‌سازی اورانیم خود را در درون یک سپر کوهستانی عمیق در نزدیکی فردو انتقال داده بود.

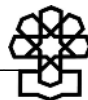
ایالات متحده و اتحادیه اروپایی تحریم‌های به مراتب شدیدتری را علیه ایران اعمال کردند که چه بسا خطر در مخمسه انداختن اقتصاد ایران را در پی دارد. اسرائیل به ترور دانشمندان هسته‌ای ایران و احتمالاً انجام عملیات خرابکارانه در سایت‌های هسته‌ای و موشکی متهم شد. ایران به دست داشتن در قتل سفیر عربستان سعودی در آمریکا و بمبگذاری در معبر دیپلمات‌های اسرائیلی متهم شد. یک کشمش قدرت بر سر سوریه و آینده آن میان ایران حامی اسد و جهان عرب خواهان کنار رفتن وی تداوم داشت ایران و آمریکا نیز بر سر نفوذ در عراق با هم رقابت می‌کردند. دور جدیدی از بحث‌های علنی در مورد احتمال حمله اسرائیل به ایران جهت جلوگیری از دستیابی ایران به تسلیحات هسته‌ای در گرفت.

این شرایط نشان‌دهنده پیچیدگی و جدی بودن روزافزون رقابت ایران و آمریکا و نقش تأثیرگذاری نیروهای نامتقارن در آن است نیروهای نامتقارن ایران اراده خود در حمله به آمریکا، کشورهای عرب خلیج فارس و منافع اروپا را نشان داده‌اند، نمونه بارز این اراده اعلام بستن تنگه هرمز بوده است.

در مورد ایالات متحده، سیاست‌هایی که ادعا می‌کنند ایالات متحده می‌تواند وابستگی استراتژیک خود به واردات انرژی را از میان بردارد این واقعیت‌ها را لاپوشانی می‌کنند، اما در عمل این ادعا مجموعه‌ای از اهداف و ادعاهای برآمده از اغراض سیاسی است که از زمان ریاست‌جمهوری نیکسون تداوم داشته است. تلاش‌های اخیر دولت‌های بوش و اوباما با سیاست‌های اسلافشان هیچ فرقی ندارد آنها نیز هیچ دورنمای نزدیک و میان‌مدتی برای تأثیرگذاری بیشتر بر ایران ندارند و هیچ کاری هم برای کاستن از نیاز آمریکا به تعهدات استراتژیک جهت اعمال بازاریابی و مهار ایران و تهدیدهای دیگر علیه خلیج فارس انجام نمی‌دهند.

در حال حاضر تنگه هرمز به نماد وابستگی آمریکا و جهان به صادرات انرژی تبدیل شده است ولی واقعیت این است که این تنگه تنها یکی از مراکز ثقل پرشمار تأثیرگذار بر جریان صادرات نفت است. از سوی دیگر ایران می‌تواند جریان انرژی را در بسیاری از نقاط خلیج فارس و در خارج از ناحیه تنگه هرمز تهدید کند. با این حال، تأکید بر تنگه هرمز نوعی فشار روانی برای آمریکا ایجاد می‌کند.

با این حال، این وضعیت رقابت نظامی ایران و آمریکا در خلیج فارس تبیین می‌کند که چرا سیاستگذاران ارشد آمریکایی، اسرائیلی و اروپایی و عرب این ادراک مشترک را دارند که اقتصاد جهانی اساساً و به نحو تعیین‌کننده‌ای به جریان پایدار صادرات نفت خلیج فارس وابسته است درخواست برای «استقلال انرژی» تأثیر چندانی بر ادراک‌های تهدید آمریکا یا طرح‌ها برای دفاع از خلیج فارس ندارد. در عمل، طراحان امنیت ملی ایالات متحده این واقعیت را قبول دارند که خلیج فارس محلی است



که سهم حیاتی در تأمین نفت جهان دارد و همچنان نیز این‌گونه باقی خواهد ماند.

### الزامات رقابت نظامی ایران و آمریکا برای سیاست‌های آمریکا

با این اوصاف، واضح است که به‌رغم برتری متعارف آمریکا و متحدانش استراتژی نامتقارن ایران چالش‌های قابل ملاحظه‌ای را برای سیاستگذاران آمریکایی، کشورهای عرب خلیج فارس و سایر قدرت‌های منطقه‌ای ایجاد می‌کند. ایران رفته‌رفته گسترش پیوسته نیروهای نامتقارن خود را به کاربردهای جدید نیروهای متعارف خود پیوند می‌زند و توانمندی‌های هسته‌ای و موشکی‌اش را تقویت می‌کند تا بتواند در برابر حمله تلافی‌جویانه علیه نیروهای نامتقارنش بازدارندگی ایجاد کند.

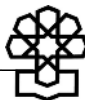
هرچند معلوم نیست که بسیاری از ادوات نظامی ایران در عرصه رزم تا چه حدی مؤثر افتند ولی ایران تمامی تلاش خود را به‌کار می‌گیرد تا این نیروها را جهت باز داشتن از حمله و نیز گسترش نفوذ منطقه‌ای‌اش گسترش دهد. ایران تقریباً به‌طور قطع اذعان دارد که برتری متعارف آمریکا در هر رویارویی جدی آمریکا را در موضع برتر قرار خواهد داد، اما در یک جنگ فرسایشی محدود، ادوات و تجهیزات نظامی ایران می‌توانند ضربه‌هایی را بر نیروهای آمریکا و متحدان منطقه‌ای‌اش وارد آورند بر زیرساخت حساس آسیب‌پذیر و روند تجارت در خلیج فارس را مختل سازند.

توانمندی قاطع ایران در جنگ مین‌ها و نقطه‌ضعف‌های فعلی آمریکا و دولت‌های عرب خلیج فارس در عملیات‌های ضدمین چه بسا می‌تواند تهدید جدی علیه امنیت خلیج فارس ایجاد کند. عملاً در صورتی هرگونه کشتی تجاری یا نظامی می‌توانند

مین‌روبی را انجام دهند که از ظرفیت فیزیکی برای حمل آنها برخوردار باشند. در نتیجه، نیروی دریایی ایران قادر است در یک فاصله زمانی کوتاه خلیج فارس و تنگه هرمز را آکنده از مین‌های پرشمار سازد ایران احتمالاً خواهد کوشید از این توانمندی و نیز زرادخانه عظیم خود که مملو از مین‌های هوشمند مدرن است جهت ممانعت از دسترسی نیروهای آمریکایی به خلیج فارس و کان‌لم‌یکن ساختن رفت‌وآمد تجاری کشتی‌ها بهره‌گیرد. برای مهار بازداشتن مناسب تعرض ایران در منطقه خلیج فارس آمریکا باید برای انجام یک عملیات رزم ضدمین جدی آمادگی داشته باشد و تجهیزات لازم برای انجام چنین کاری را در منطقه تدارک ببیند.

اگر ایالات متحده بخواهد این ترکیب پیچیده تهدیدهایی را که به شیوه‌های بسیار متفاوتی و در سطوح متفاوتی می‌توان به‌کار برد، با موفقیت خنثی سازد، باید همچنان حضور قاطع نیروهای خود در خلیج فارس را جهت مهار، بازداشتن و در صورت لزوم، درگیر شدن با ایران حفظ کند.

ایالات متحده باید بتواند با متحدان خود در خلیج فارس یکپارچه شود و در نبرد برای حفظ جریان کشتیرانی و صادرات، نفت خلیج فارس پیروزی قاطعی را به‌دست آورد. در عین حال ایالات متحده باید قادر باشد به‌طوری هماهنگ با نیروهای متحد عرب خود در خلیج فارس هرگونه تلاش ایران برای فرسایشی کردن جنگ در خلیج فارس را با شکست مواجه سازد و با هرگونه اقدام ایران در فرآیند جنگ از قبیل کار گذاشتن مین‌های شناور، حمله‌های کور و هر شکل دیگری از جنگ نامتقارن که دولت‌های دوست در خلیج فارس و جریان صادرات انرژی جهان از منطقه را تهدید می‌کند مقابله کند.



ایالات متحده باید بکوشد از وقوع هرگونه جنگی جلوگیری کند و اگر برخوردی اتفاق افتاد اوج‌گیری جنگ را به هر روش ممکن محدود سازد ایالات متحده باید متحدان منطقه‌ای، متحدان اروپایی و نیز سایر دولت‌هایی را که خواهند کوشید از جنگ و از اوج‌گیری جنگ در صورت وقوع درگیری بپرهیزند به مشارکت در جنگ با ایران متقاعد سازد اگر آنها احساس کنند آمریکا بی‌محابا عمل می‌کند و به منافع آنها توجه ندارد، آمریکا نمی‌تواند حمایتشان را جلب کند. در عین حال، ایالات متحده باید آن قدر قوی باشد که بتواند از نیروهای زمینی و هوایی خود جهت نابودسازی توانمندی‌های متقارن و متعارف ایران، تأمین امنیت عراق و حفاظت از متحدان عربش استفاده کند.

ایالات متحده باید همکاری نزدیکی با دولت‌های عرب خلیج فارس و سایر دولت‌های عرب داشته باشد تا بتواند توانمندی‌های بازدارندگی و تدافعی آنها را بهبود بخشد. ایالات متحده باید همکاری تنگاتنگی با متحدانی مثل فرانسه و بریتانیا داشته باشد و به دنبال جلب همکاری متحدان کلیدی مثل ترکیه باشد در سطحی فنی‌تر، ایالات متحده باید همچنان نیروهای نظامی متحدان منطقه‌اش را جهت رویارویی با تهدیدهای نامتقارن، تجهیز، نوسازی و آموزش دهد.

ایالات متحده باید آمادگی کاملی برای مقابله با طیف متعدد گزینه‌های نظامی دیگری که ایران شکل می‌دهد داشته باشد. مناسبات ایران با حماس، حزب‌الله، طرفداران صدر و سایر شبه‌نظامیان شیعی در عراق، سوریه و اقلیت‌های شیعه در سایر دولت‌های عرب خلیج فارس، روابطی را ایجاد می‌کند که در آنها چه بسا قادر

است از کنشگران دولتی و غیردولتی در جنگ نامتقارن بهره گیرد.

ایران هم‌اکنون از این ادوات و امکانات علیه اسرائیل، برای تضعیف ثبات داخلی و انسجام داخلی متحدان ایالات متحده در خاورمیانه، برای حمله غیرمستقیم به نیروهای آمریکایی در عراق و کمک به حماس جهت به‌دست گرفتن قدرت در نوار غزه استفاده کرده است.

با توجه به اهمیت استراتژیک این دولت‌ها در موازنه منطقه‌ای، ایالات متحده نمی‌تواند به ایران اجازه دهد چنین حرکت تهدیدآمیزی را تقویت کند و دست‌نشانده‌های بالقوه را ایجاد کند. ایالات متحده باید همچنان از متحدان منطقه‌ای خود جهت مقابله با دست‌نشانندگان ایران در درون مرزهایشان حمایت کند و آنها را آموزش دهد.

در سطح کلی‌تر، ایالات متحده باید این واقعیت را در نظر بگیرد که مادامی که چیزی شبیه رژیم فعلی ایران در قدرت است رقابت نظامی ایران و آمریکا همچنان وجود خواهد داشت، تنگه هرگز همچنان اهمیت استراتژیک خود را حفظ خواهد کرد و ایران خواهد کوشید جایگاه خود را به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای تحکیم بخشد و ایران پیوسته و با قدرت تمام می‌کوشد حضور آمریکا در خاورمیانه را به چالش بکشد و تضعیف کند. براساس این ایالات متحده باید ادراک‌های ایران در مورد رقابت نظامی و نیز توانمندی‌های متعارف و نامتقارن ایران را مد نظر قرار دهد و همچنان ابزارهای مقابله با امکانات درحال تکامل ایران در منطقه را توسعه دهد.



## ارزیابی کلی

این گزارش بر پایه این فرض به نگارش درآمده است که مرکز ثقل و در واقع تعیین‌کننده‌ترین میدان رقابت ایران و آمریکا، منطقه خلیج فارس است و به‌تبع آن چنین نشان داده می‌شود که رویارویی نظامی احتمالی میان ایران و آمریکا نیز در این منطقه روی خواهد داد. برآورد کلی گزارش با بهره‌گیری از آمار و ارقامی که در اختیار داشته است، این است که آمریکا در زمینه نیروهای متعارف و ایران در زمینه جنگ نامتقارن، بر طرف مقابل برتری دارند. تأکید گزارش بر ادراک‌ها و عدم قطعیت‌ها آشکار می‌کند که دولتمردان آمریکایی نه‌تنها ذهنیتی کلیشه‌ای در مورد ایران به‌مثابه تهدیدی گاه بالقوه و گاه بالفعل دارند، بلکه این ذهنیت را در میان سایر بازیگران منطقه و متحدان خود ترویج می‌کنند.

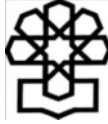
ازسوی دیگر، به نظر می‌رسد محتوای گزارش به ارائه توصیه‌هایی انجامیده است که عملاً ایالات متحده را به حزم و احتیاط هر چه بیشتر در استفاده از گزینه نظامی فرا می‌خواند - البته، این فراخواندن به حزم و احتیاط شگفت‌انگیز نیست، زیرا تأکید گزارش نه بر واقعیت‌ها و امور عینی، بلکه بر ادراک‌ها و عدم قطعیت‌هاست.

درمجموع به‌نظر می‌رسد روح حاکم بر استدلال‌های این گزارش از عوامل دیگری سرچشمه می‌گیرند که در متن گزارش اشاره نشده‌اند. این عوامل دیگر همانا محدودیت‌ها و مشکلات ناشی از هزینه‌های هنگفت شدت‌گیری رقابت نظامی با ایران است که می‌تواند چالش‌هایی را در عرصه سیاست داخلی آمریکا ایجاد کند. از

همین‌رو بر اثربخشی تحریم‌ها علیه ایران که بر اساس این گزارش، هزینه‌های کمتری در قیاس با گزینه نظامی دارد، تأکید شده است.

### منبع و مأخذ

Anthony H. Cordesman and Alexander Wilner, "U.S. and Iranian Strategic Competition: Iran and the Persian Gulf Military Balance, CSIS Report, March 2012.



مرکز پژوهش‌ها  
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۲۵۲۵

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: رقابت استراتژیک ایران و آمریکا در خلیج فارس

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه مطالعات دفاعی - امنیتی)

تهیه و تدوین: روح‌اله طالبی آرانی

ناظر علمی: یوسف ترابی

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: فرزاد جعفری

واژه‌های کلیدی:

۱. رقابت نظامی

۲. رقابت استراتژیک

۳. ایران

۴. آمریکا

تاریخ انتشار: ۱۳۹۱/۵/۲۸